

ادامه از صفحه اول

نقش اجرای قوانین در جهش تولید

۴. هرچه کوتاه‌ترشدن مسیر دادخواهی اقتصادی و البته رسیدگی سریع، ادله‌مدار، متفن و کم‌ریسک، مهم‌ترین کارکرد عدلیه یعنی دادگستری و فصل خصومت را انجام داده است. مثلا اگر الزام به ایفای تعهد قراردادی یا مطالبه وجه کارکرد یک پیمانکار رزود و بدون فساد و آیین دادرسی مدار پیش رفت، باید در شاخص‌های دسترسی به عدالت اقتصادی نمره مطلوبی را به قوه اختصاص داد. نرخ رسیدگی، مدت‌زمان، کیفیت و هزینه رسیدگی به دادخواهی‌های اقتصادی باید کوتاه‌تر و بی‌اطاله‌تر شود تا امید به بهبود فضای کسب‌وکار جریان یابد؛ وگرنه سرمایه‌گذاری که برترسد در دالان دادگستری پس از سال‌ها به حقوق نپیمند خود ناآل آید یا ریسک فراوان و هزینه بالایی دهد، این انگیزه برای ورودن دادخواهی را تقویت می‌کند.

۵. منشأ مشکل اقتصاد ایران، قضائی نیست اما قوه در تشدید و استمرار آن بی‌تأثیر نیست. صورت مسئله روشن است. ایران ثروتمند و تمدن‌خیز است. برای کشوری که با یک درصد جمعیت جهان، هفت درصد منابع طبیعی ارزشمند دنیا را به خود اختصاص داده، ۱۸ میلیون زیر خط فقر سزاورار نیست. این آمار گواه عارضه و علتی است. اقتصاد ایران مبتلا به تپاه‌سازی نعمت‌های کشور شده است. سخنان اخیر معاون اول رئیس‌جمهور راجع به شرکت‌های دولتی که زیان ده هستند، گواه این معناست که با بی‌مب‌دیریتی، نعمت‌ها را پاس نداشته‌ایم. روند خصوصی‌سازی‌ها نیز برگ دیگری بر ضایع‌کردن امکانات ملی و غیرقابل‌توجهی است. عارضه سیاست‌گذاری‌های غیرسودآور باعث سقوط رشد تولید ناخالص داخلی به‌دلیل فقدان سرمایه‌گذاری کافی داخلی و خارجی و لاجرم تورم بی‌حساب و تضاد طبقاتی و ایجاد فساد رانتی با سوداگری یک طبقه بی‌زحمت و کار بزرگ شده است.

۶. رده ایران در جدول فساد اداری و مالی سازمان شفافیت، صد و سی‌ام بوده که قابل اغماض نیست. کسب دارایی با استفاده از فساد باعث می‌شود انگیزه و سلامت کار دستخوش بحران شود. فضای کسب‌وکار مولد اگر جاذبه نداشته باشد، شهروندان به کار خود عشق نورزیده و ثروت ملی از کف می‌رود. جامعه گریزان از کار محکوم به زوال است. اصلاح این قهرمست نابخردننده، هرچند است بیشتر ناظر بر تکالیف قوای مجریه و مقننه است اما سلاحت قضائی هم برای آن متصور است.

۷. باید اولویت قوه قضا امنیت تولید، سرمایه مالکیت باشد. صیانت از اشتغال آفرینان و دانش‌نیانان و خدمات‌دهندگان سلامت و بازیگران مولد و مفید اقتصادی کشور به آن انگیزه ویژه می‌دهد. قوه با تعرض به محیط زیست و سوداگری‌های مخل خیر عمومی برخورد کند. ناامنی نه برای کنشگر شفاف‌کننده فساد و منتقد حکمرانی بلکه برای مخل اقتصاد ملی و دلال رانت سوار فلج‌کننده اقتصاد و خیر عمومی مردم باشد. آن ارتق‌بازی که با واردات و پورساخت‌گیری اشتغال کلی نیروی کار را به آتش می‌کشد، هم‌مراست بیشتر به ضرر کشور کار کرده و عدالت کیفری و تناسب جرم و مجازات اینجا باید خود را نشان دهد.

۸. تردیدی نیست قدرت قهرت ملی، مهرون امنیت بازار سرمایه و ثبات حقوق اقتصادی و مالکیت و رشد سرمایه‌گذاری ملی مولد است. اگر در اقتصاد ضعیف باشیم یا باید باج دیمیم یا شاهد فقر و فلاکت باشیم. جامعه کنشگران اقتصادی اعم از کلان و خرد باید یا دو رکن اعتماد و تفاهم، به رشد تولید و ایجاد ارزش افزوده و استفاده مولد از داشته‌های کشور و آشنات از دارایی‌ها و ثروت ملی مدد رسانند. در این راه فداکاری ملی نیاز دارد.

۹. پاسداری از حقوق اقتصادای مردم یعنی وقتی می‌بینیم دو بخش بانک‌های خصوصی و خودروسازی نیاز به تغییر جدی دارد، مماشات کنیم. نگذاریم زبان ملی را تشدید کنند. نگذاریم از کیسه منابع عمومی و بودجه آسیب‌خورده کشور خرج شود که باید برای از دوش مردم و بودجه بردارند. ۱۰- دادستان‌ها با ارتدین زمینه تکالیف مرفهتی و کنترلی و احیاگرانه دارند. سزاورار ایران ثروتمند نیست که در مرتبه ۱۱۷جهائی سعادت در سال گذشته بنشیند. ما می‌توانیم نظام حقوقی خود را همگام با توسعه تنظیم کنیم. نبود اصلاحات تقنینی و قضائی و نهادی همه رؤیاهای ایران برتر را نقش بر آب می‌کند. ضمن تقدیر از تلاش‌های قوه قضائیه در سال گذشته، بنیة دانشی قوه در حوزه حمایت از مالکیت، سرمایه‌گذاری باید تقویت شود. نهادهای دآوری جایگزین قضا حمایت شوند. اتاق‌های بازرگانی مکرر دغدغه‌های خود را مطرح کنند. کنشگران افشاکر فساد تحت حمایت باشند. بسته اقدام تسریعی برای محاکم در زمینه ناشدنی کیفی پرونده‌های مرتبط با مالکیت، قرارداد، اشتغال، تولید و سرمایه‌گذاری تدارک شود. مباد که بازار اشتغال، سرمایه و تولید ملی ما دودستی با کم‌توجهی‌ها واکتدار به رقیای منطقه شود و مجال فاخر وطن باز هم خسارت ببیند. امید که سال جاری با همه سختی‌های کرونایی برای کشور پر از گلشیش باشد.

اقتصاد

گفت‌وگوی «شرق» با محمد امامی، تهیه‌کننده شهرزاد و متهم بانک سرمایه از اوین

امامی طلبکار شد



علی‌حسن مصطفی‌عسگری، تسنیم

در کانال‌های تلگرامی و برخی رسانه‌های زرد، می‌بینید که از امضای نام‌ه توسط عوامل سریال شهرزاد صحبت کردند. بعد نسخه‌ای از این نامه منتشر شد با تعداد امضاکنندگانی بسیار بیشتر از نامده اصلی. در واقع ورژنی از نامه ادعا شد که ما نوشته بودیم؛ یعنی همین جمع ۴۶ نفره. بنده هم نه اسپانسر بودم و نه بیگیر آن بودم.

✚ الان موضوع اسپانسری این نامه را طرح نکردم، سسؤال درباره ارتباط مالی و همکاری گذشته با آینده امضاکنندگان با شماست.

پاسخ باید مقدماتی داشته باشد. من از سؤال شما فرار نمی‌کنم. در این نامه دوتسانی هستند که حتی من از نزدیک آنها را ندیده‌ام؛ یعنی هیچ ارتباط مالی، کاری و وابستگی دیگری با آنها نداشتم. سسؤال‌ی که باید به آن پاسخ داد، این است که چرا این نامه باید بعد از گذشت چهار سال از تشکیل این پرونده نوشته شود؟ با درنظرگرفتن اینکه من همیشه می‌توانستم از این ظرفیت استفاده کنم؛ پس چرا زودتر از آن بهره نبردم و امروز بعد از ۲۶ ماه با‌زداشت که در این مدت تاریخ همکاری افراد با من دورتر شده و بعضا در مجموعه‌های دیگری مشغول فعالیت هستند، این اقدام را انجام دهم؟ این تصویری که ایجاد شده، یک آدرس اشتباه است. کدام‌یک از این افراد را می‌توانیم به‌صراحت آدم‌های وابسته بدانیم. این افراد اهل فرهنگ هستند، اهل معامله نیستند. بدون سند و مدرک درباره افراد صحبت‌کردن و اهانت‌کردن کناهی نابخشودنی است. زاویه نگاه شما می‌تواند به این موضوع متفاوت باشد. می‌توانید به این فکر کنید که این آزادی موقت از چه کسانی انتفاعی سلب می‌کند و عدم‌النتفع ایجاد می‌کند؟ چه کسانی از نوشتن این نامه ترسیدند؟

درباره یک پرونده با شنیدن صحبت‌های یک طرف نمی‌توان قضاوت کرد. این گفت‌وگو هم می‌تواند سسؤال‌ی ملولو از نقاط مغفول باشد. نقاطی که شاید با امکان گفت‌وگو با نماینده بانک، کارشناسان پرونده یا حتی نماینده دادستان توضیح داده شود. «شرق» در روزهای آتی تلاش می‌کند با مرتبطان پرونده نیز گفت‌وگو کند.

✚ صحبت را از نامه‌ای شروع کنیم که جمعی از هنرمندان برای مرخصی شما امضا کردند؛ نامه‌ای که قویا فردا بر روی مجرنامه بماند اما انتشار آن باعث شد برخی سینماگرانی که نامشان درج شده بود، امضای این نامه را تکذیب کنند. آن تعدادی که ماندند، اغلب جزء افرادی بودند که با شما همکاری داشته یا همچنان ارتباط مالی با شما دارند. همین سبب شد این گمانه تقویت شود که بین این گروه مالی این افراد رابطه‌ای وجود دارد.

نامه‌ای که نوشته شد، پس از بخشنامه‌ای بود که از سوی رئیس محترم قوه قضائیه برای آزادی موقت و مرخصی زندانیان در شرایط خاص فعلی صادر شد. برای جرائم امنیتی، اقتصادی و حتی جرائم خفشی این بخشنامه قابل اجرا بود. طبق گزارش‌های قوه قضائیه پس از صدور این بخشنامه ۱۰۰ هزار نفر به‌صورت آزادی موقت با سپردن وثیقه، یا مرخصی رفته یا عفو مشروط شده و از زندان‌ها آزاد شدند. یکسری از همکاران سنمایی در چارچوب همین بخشنامه و بر اساس قوانین موجود که همه می‌توانند از آن بهره‌مند شوند، نامه‌ای نوشتند که یکی از اعضای کوچک خانواده بزرگ سینما نیز از این بخشنامه بتواند استفاده کند. این یک مطالبه صنفی بود.

✚ به‌جز شما افراد بسیاری چه در بخش جرائم اقتصادی چه جرائم سیاسی هم اکنون در بازداشت وقتش هستند و مانند شما توانستند از این بخشنامه استفاده کنند. چرا فقط برای شما باید نامه نوشته می‌شد؟

برای بسیاری از این افراد هم نامه نوشته شده است. حتی نامه‌های غیرصنفی نیز مانند موضوع محیط‌زیستی‌ها نوشته و به‌عنوان یک دغدغه مطرح شده است. بحث ما تفکیک بین زندانیان سیاسی و امنیتی و اقتصادی نیست؛ بحث استفاده از ظرفیت‌هاست. من هم الان از زندان با شما صحبت می‌کنم و نهایتاً نتوانستم از این ظرفیت استفاده کنم. یک ماه پیش برای آقای رسول‌اف من این نامه امضا شد و فقط مربوط به من نبوده و در واقع قضائتی در نامه راجع به روند رسیدگی در پرونده و نتیجه آن نشده، فقط یک مطالبه صنفی بوده است. جا دارد وقتی این سؤال را می‌پرسید، من از این جمع هنرمندان که با نیت انسانی این نامه را امضا کردند، تشکر کنم.

✚ این سؤال من را پاسخ دهید که بین این نامه و منافع مالی این افراد رابطه‌ای وجود داشته است یا خیر؟

شما اگر برگردید به اولین ادعاهای مطرح‌شده

در کانال‌های تلگرامی و برخی رسانه‌های زرد،

می‌بینید که از امضای نام‌ه توسط عوامل سریال شهرزاد صحبت کردند. بعد نسخه‌ای از این نامه منتشر شد با تعداد امضاکنندگانی بسیار بیشتر از نامده اصلی. در واقع ورژنی از نامه ادعا شد که ما نوشته بودیم؛ یعنی همین جمع ۴۶ نفره. بنده هم نه اسپانسر بودم و نه بیگیر آن بودم.

✚ الان موضوع اسپانسری این نامه را طرح نکردم، سسؤال درباره ارتباط مالی و همکاری گذشته با آینده امضاکنندگان با شماست.

پاسخ باید مقدماتی داشته باشد. من از سؤال شما فرار نمی‌کنم. در این نامه دوتسانی هستند که حتی من از نزدیک آنها را ندیده‌ام؛ یعنی هیچ ارتباط مالی، کاری و وابستگی دیگری با آنها نداشتم. سسؤال‌ی که باید به آن پاسخ داد، این است که چرا این نامه باید بعد از گذشت چهار سال از تشکیل این پرونده نوشته شود؟ با درنظرگرفتن اینکه من همیشه می‌توانستم از این ظرفیت استفاده کنم؛ پس چرا زودتر از آن بهره نبردم و امروز بعد از ۲۶ ماه با‌زداشت که در این مدت تاریخ همکاری افراد با من دورتر شده و بعضا در مجموعه‌های دیگری مشغول فعالیت هستند، این اقدام را انجام دهم؟ این تصویری که ایجاد شده، یک آدرس اشتباه است. کدام‌یک از این افراد را می‌توانیم به‌صراحت آدم‌های وابسته بدانیم. این افراد اهل فرهنگ هستند، اهل معامله نیستند. بدون سند و مدرک درباره افراد صحبت‌کردن و اهانت‌کردن کناهی نابخشودنی است. زاویه نگاه شما می‌تواند به این موضوع متفاوت باشد. می‌توانید به این فکر کنید که این آزادی موقت از چه کسانی انتفاعی سلب می‌کند و عدم‌النتفع ایجاد می‌کند؟ چه کسانی از نوشتن این نامه ترسیدند؟

✚ به‌هرحال شما فردی تأثیرگذار در حوزه سینما بودید و ورود شما معادلات اقتصادی سینما را به هم ریخت و باعث افزایش غیرمتعارف دستمزدها شد. در جریان ساخت سریال شهرزاد پرداخت‌ها به گونه‌ای بود که اهالی سینما عنوان می‌کنند نظام پرداخت را می‌توان به قبل از دوره سریال شهرزاد و بعد از آن تقسیم کرد.

الان یک ادعاست یا سؤال است؟ **✚ شما می‌گویید عده‌ای از آزادشدن شما می‌ترسند، من می‌گویم شاید به این خاطر است که چنین اثرگذاری‌ای در سینما داشته‌اید.**

شما الان در کنار این اثرگذاری یک ادعایی هم مطرح می‌کنید.

✚ یعنی شما می‌گویید دستمزدهای صدمیلیونی ادعاست؟

اهل قلم و اهل رسانه یک

تفاوتی را باید در ادعاهایی که می‌کنند با افرادی

که در صف ثانوایی ادعایی می‌کنند، داشته باشند. اهل قلم باید پس از تحقیق و بررسی و نگاه‌کردن به اسناد بحث کنند. شما باید سندی از من دیده باشید که پرداخت غیرمتعارف داشته‌ام.

✚ یکی از منابع تحقیق من شما هستید. من از شما به‌عنوان منبع متوق و مطلع می‌پرسم که دستمزدها در سریال شهرزاد چقدر بوده؟
کلیتی را من برای شما مطرح می‌کنم و شما به‌عنوان یک فرد پرسشگر این موضوع را دنبال کنید. تفاوت شما با دیگر افراد این است که باید پرسشگر باشید، کاری که آقای عزیزان با رشیدیور کرد. سسؤال مطرح کرد. گفت می‌شود بگویید؟ این متفاوت است با اینکه ادعایی را مطرح کنیم. شما به جریان‌سازی در دستمزدهای سینما اشاره کردید. بنده حاضر در شرایط برابر زمانی که داشتم شهرزاد را تولید می‌کردم، دستمزدهایی را که پرداخت کردم، با سریال معمای شاه قیاس کنید. من هزارو ۵۰۰ دقیقه تولید داشتم، آنها هم هزارو ۵۰۰ دقیقه تولید داشتند. بازیگرانی را که من استفاده کردم، با بازیگران آن سریال مقایسه کنید و نهایتاً کیفیتی را که من تولید کردم، با کیفیتی که آنها تولید کردند، بسنجید. خودتان از مقایسه سریال شهرزاد و معمای شاه می‌توانید تفاوت کنید که چه تفاوتی وجود داشت. این را هم در نظر بگیرید که مردم باید سریال شهرزاد را می‌خریدند؛...

(به‌دلیل تعهدی که دادم از نوشتن ارقام معذورم).
✚ رقم‌هایی که شما گفتید دور از آنچه عنوان می‌شود، نیست.

برای یک پروژه دستمزد پارامتر تعیین‌کننده نیست. برای سرمایه‌گذار هزینه کلی مهم است. من وقتی می‌بینم در یک سازوکار اقتصادی می‌شود با یک عدد ۱۲ میلیارد تومانی هزارو ۵۰۰ دقیقه سربال با کیفیت الف ویژه بسازیم؛ برای ساخت حتما برنامه‌ریزی می‌کنم. برای سرمایه‌گذار اینکه یک فردی ایکس تومان می‌گیرد فرد دیگری ایکس به علاوه یک دریافت می‌کند، مهم نیست. برای من جمع جبری هزینه‌های آن پروژه اهمیت دارد. هزینه تولید یک سریال مهم است. بگذارید نتیجه حسابرسی بیرون بیاید بعد می‌توان بهتر درباره هزینه‌ها صحبت کرد. همین امروز هستند کسانی که با این نوع حسابرسی‌ها و شفاف‌سازی‌ها مخالفت می‌کنند. من مطمئنم با این نوع شفاف‌سازی‌ها یک جریان مخالفی شروع می‌شود.

✚ شما گفتید برای ساخت سریال شهرزاد ۱۲٫۵ میلیارد تومان هزینه کردید. این رقم از منابع شخصی تأمین شده است؟

مگر تفاوتی دارد؟ منابع باید تمیز باشد. منابع تمیز می‌شود اسپانسری که اول سریال تبلیغ می‌کند، می‌شود ۲۰ هزار سوپرمارکتی که شما کالا را به آنها پیش‌فروش می‌کنید. ببینید یک موضوعی به نام پول‌شویی مطرح می‌شود. در هیچ جای دنیا حتی آمریکا که سنیمای میلیارد دلاری دارد، سینما مقصد مناسبی برای پول‌شویی نیست. سینما تاریکخانه‌های فساد را روشن می‌کند. آدم‌ها را در معرض قضاوت قرار می‌دهد و این بدترین مقصد برای افرادی است که دنبال پنهان‌کردن خلاف‌هایشان هستند. این را درباره محمد امامی نمی‌گویم. درباره همه کسانی می‌گویم که در سینما سرمایه‌گذاری می‌کنند.

افرادی که از طرف کودکان تشنه‌اند با انتشار چند عکس و تمهت‌زدن، سرمایه‌گذاران را از ورود به حوزه سینما می‌ترسانند.

✚ پس هزینه سریال از محل تبلیغاتی که گرفته‌اید تأمین اعتبار شده است؟

من این را نکفتم. به سازوکار اشاره کردم. یکی از محل‌های درآمد تبلیغاتی است که از کاله، پرشیاخودرو، نیسان، آپ و... گرفتیم. دوم فروش فیلم در سوپرمارکت‌ها، سوم فروش دیجیتال و اینترنتی سریال، چهارم فروش وی.آدی.کی که بخش عمده درآمد در شهرزاد۳ از طریق فروش وی.آ.

دی بود... ✚ چقدر درآمد داشتید؟

بگذارید حسابرسی انجام شود. اگر حتی یک تفاوت کوچک با رقم حسابرسی داشته باشم دوباره متهم می‌شوم. من صد کار مختلف در سینما انجام داده‌ام. من الان نمی‌توانم بگویم که در هر یک از کارها چه رقمی درآمد داشته‌ام. اما کالایی که تولید شده سووده بوده و در آمان است که هر کاری در سینمای کشور انجام دادم از منابع پاک و سالم انجام داده‌ام و آن اثر برنده و پرفروش شده است. پرفروش شدن این کارها باعث شده از محل سود آن، کارهای دیگری در سینما تولید کنم. این پرسش را لازم می‌دانم مطرح کنم. چه کسانی و با چه انگیزه‌ای هم سرمایه‌گذار جدیدی را که وارد حوزه سینما می‌شود، محکوم به پول‌شویی می‌کنند؟ در صورتی‌که مقصد سینما از بُعد منابع ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم. سینمای مبتنی بر تولید دیگر نمی‌فرشود و زیان‌ده است و آن افرادی می‌روند و فیلم دیگری تولید می‌کنند. وقتی شما می‌گویید سینما نماینده فرسیدت تا شما از خانه کارت‌فروشی ورودی که عده‌ای کارت‌فروشی یعنی من با چهار میلیارد تومان یک فیلم می‌سازم ولی چون مجوز تهیه‌کنندگی سینما ندارم با چهارتا بریمرد این حوزه بنشینم و کارت‌هایشان را اجاره کنم. پول را از تولید در بیاروم